

تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا: بررسی علی

سید علی اکبر رزمی

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد

سید محمدجواد رزمی

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد

سارا شهرکی*

دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه فردوسی

مشهد

چکیده

آزادی اقتصادی یا به عبارت دیگر آزادی افراد در مبادله و انتقال دارایی‌هایی که از راه‌های قانونی بدست آورده‌اند بر روی رشد اقتصادی جوامعی که نهادهای نسبتاً کارا مانند امنیت حقوق مالکیت و هزینه‌های پایین مبادله که موجب افزایش رقابت می‌گردد، دارند، اثر می‌گذارد. این تحقیق در صدد بررسی اثر آزادی اقتصادی بر روی رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا و روش‌شناسی لاکاتوشی است. علاوه بر این، به دنبال شناسایی مسیرهای این اثرگذاری نیز هستیم. مدل مورد استفاده در تحقیق، ترکیبی از مدل پویای وینهلد (۱۹۹۳) و مدل کارلسون و لاندستروم (۲۰۰۱) است که نمونه ۵۷ کشوری را طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ بررسی کرده است. برای بررسی بهتر اثر نهادهای موجود در کشورها بر روی رابطه بین آزادی و رشد، کشورها به سه دسته کشورهای با کیفیت نهادی بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی شده‌اند. نتیجه نشان‌دهنده رابطه مثبت آزادی و رشد اقتصادی با توجه به کارایی نهادهای موجود در هر جامعه است. دو زیر شاخص "امنیت حقوق مالکیت و ساختار قضایی" و "قانون کار و تجارت و بازار اعتبار" از زیر

شاخص‌های شاخص کلی آزادی اقتصادی موسسه فریزر که به عنوان نماینده آزادی اقتصادی در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارند.

واژه‌های کلیدی: آزادی اقتصادی، رشد اقتصادی، حقوق مالکیت، محیط نهادی، ترتیبات نهادی، هزینه مبادله، اندازه دولت، پول سالم، ساختار قانونی

طبقه بندی JEL: B25, F43, O40

The Effect of Economic Freedom on Economic growth with Institutional Approach (Causal Investigation)

Ali Akbar Razmi

*Assistant Professor in Economics,
Ferdowsi University of Mashhad*

Mohammad Javad Razmi

*Assistant Professor in Economics,
Ferdowsi University of Mashhad*

Sara Shahraki

*PhD Student in Economics, Ferdowsi
University of Mashhad*

Abstract

Economic freedom or individual freedom in doing transaction, exchange and assets transfer, which is obtained from legal channel, have significant effects on economic growth in society with relatively efficient institutions such as property rights security and transaction cost reduction, via motivating and promoting competition. This study investigates the effect of economic freedom on economic growth with due attention to institutional economic literature and use of Lakatuch methodology. Also it recognizes the paths of the relationship between economic freedom and growth. The utilized model is the combination of Winhold dynamic model (1993) and Carlsson and Lundstrom model (2001) that study 57 countries during 2000-2006. Also in order to studying these countries exactly, it classifies countries to three categories: Low, middle and high institutional quality. The result shows positive relationship between economic freedom and growth with due attention to efficiency of exist institutions in society. Two sub-index, "property rights security and legal structure" and "laws of labor and credit market and business" of Fraser Economic Freedom whole index that have been selected as economic freedom representation, have positive and significant effect on economic growth. This confirms initial hypothesis that shows importance of institutions in each society.

Keywords: Economic Freedom, Economic Growth, Property Rights, Institutional Environment, Institutional Arrangement, Transaction Cost, Size of Government, Sound Money, Legal Structure

JEL: B25, F43, O40

مقدمه

با اینکه نظریه‌های اقتصادی مسلط در فضای نظریه‌پردازی سال‌های اخیر، تعامل آزادانه افراد و بنگاه‌ها را بهترین راه تامین کارایی اقتصادی برمی‌شمارند و بر سر راه تفسیر از آزادی اقتصادی کشمکش‌های فراوانی صورت می‌پذیرد، هنوز این امر که آیا توافقی جهانی در مورد اینکه کامیابی اقتصادی منوط به توجه به مفهوم آزادی اقتصادی است، وجود دارد یا خیر، مورد سوال است.

از طرف دیگر رشد اقتصادی نیز از بحث برانگیزترین مفاهیم اقتصادی بوده است و شوق برای دستیابی به رشد اقتصادی و برخورداری از تنوعات مادی ناشی از آن تا آن حد فزونی یافته است که کشورها برای دستیابی به آن بهای سنگینی چون از دست دادن گوهر قیمتی عدالت و برابری و حتی بسیاری از عناصر اساسی فرهنگ بومی پرداخته‌اند.

این تحقیق بر آن است تا تاثیر یا عدم تاثیر آزادی اقتصادی بر رشد و چگونگی این فرایند را مورد بررسی قرار داده و در تحلیل این مساله از رویکرد مکتب نهادگرای جدید^۱ استفاده نماید. شاخص مورد استفاده برای آزادی اقتصادی در این تحقیق، شاخص معرفی شده توسط موسسه فریزر^۲ (استفاده شده در گزارش آزادی اقتصادی جهان) می‌باشد. این تحقیق به بررسی اثر تک تک زیر شاخص‌های این شاخص کلی بر رشد اقتصادی می‌پردازد.

اما علاوه بر این، مقاله به دنبال آزمون این مطلب است که آیا کیفیت نهادهای موجود در یک جامعه بر روی رابطه آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی موثر است یا خیر و به همین دلیل از رویکرد مکتب نهادگرای جدید استفاده نموده است. برای بررسی این مطلب، کشورهای نمونه، بر اساس کیفیت نهادهای موجود در آن‌ها به سه دسته کشورهای با کیفیت نهادی بالا و متوسط و پایین طبقه‌بندی شده‌اند. برای این طبقه‌بندی از شاخص حکمرانی خوب^۳ که یکی از مهمترین شاخص‌ها در زمینه معرفی کیفیت نهادها است و توسط بانک جهانی منتشر می‌گردد، استفاده شده است. از آنجایی که ایران (مطابق تقسیم‌بندی صورت گرفته در این مقاله که در جدول ۲ نیز آمده

1 - New Institutionalism

2 - Fraser Institute

3 - Good Governance

است) در گروه کشورهای با کیفیت نهادی پایین قرار دارد، نتایج حاصله از بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در بررسی این طبقه برای ایران نیز قابل تعمیم است و پیشنهادهایی نیز در این رابطه ارائه گردیده است.

۱- تعاریف و مبانی نظری

۱-۱- آزادی اقتصادی

در لغت، اصطلاح آزادی به عنوان نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب یا عمل تعریف می‌شود.

اما آزادی اقتصادی در تعریف هارشبرگر^۱، عبارتست از این که فرد در موقعیتی برای انتخاب روشی است که با آن خودش را در کلیت جامعه ادغام کند. (Harshbarger, 2002)

همچنین آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی که از طریق قانونی بدست آورده‌اند می‌باشد.

بنیاد هریتیج^۲ آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که بر طبق آن افراد آزادند به تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات پردازند. به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج از آنجایی که آزادی به عنوان «نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب عمل» است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌باشد از این رو می‌توان آزادی اقتصادی را به صورت «نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات» تعبیر کرد. (Johnson, 2000)

به طور کلی آنچه از تعاریف فوق دریافت می‌شود، آن است که آزادی اقتصادی چیزی جز تأکید بر مالکیت فردی یا خصوصی نبوده و محدودده‌ای را که اقتصاد بر مبنای بازار عمل می‌کند، مشخص می‌نماید. بدین ترتیب افراد مالک دارایی‌های خود در مصرف، مبادله و یا نگهداری هستند و هیچ مانعی نظیر دولت نباید آن‌ها را محدود نماید؛ به شرط آن که این دارایی‌ها از طریق دزدی، زور، تقلب و یا سرقت به دست نیامده باشد و از این راه‌ها مبادله نگردد. در این میان یکی

1 - William Harshbarger

2 - Heritage Foundation

از نقش‌های دولت حفظ دارایی افراد می‌باشد. لذا در هر اقتصادی حداقل مداخله با توجه به شرایط اقتصادی آن‌ها برای دولت‌ها تعریف می‌شود و چنانچه دولت‌ها بیش از این حد عمل نمایند آزادی اقتصادی محدود خواهد گردید.

در نهایت می‌توان گفت در یک اقتصاد آزاد سوالات پایه‌ای اقتصاد یعنی چه چیز و به چه مقدار تولید شود، چگونه تولید شود و عواید حاصل از تولید چگونه توزیع گردد باید توسط بازار پاسخ داده شود و هرگونه محدودیت تحمیلی دولت بر این انتخاب‌ها، آزادی اقتصادی را کاهش می‌دهد. (Johnson, 2000)

۲-۱- رشد اقتصادی

رشد اقتصادی پایدار یکی از اهداف نهایی هر نظام اقتصادی است که دستیابی به آن مستلزم بسط پایه‌های رشد و درونی شدن آن‌ها از طریق سازوکارهایی نظیر انباشت سرمایه، توسعه سرمایه انسانی، ارتقا بهره‌وری عوامل تولید و... است. رشد اقتصادی در تعریفی ساده عبارتست از افزایش سطح تولید ناخالص داخلی یک کشور نسبت به دوره پیشین. (Jones, 1991)

آنچه در این تحقیق مورد نظر است نه مفهوم رشد اقتصادی، بلکه تحلیلی پیرامون چگونگی دستیابی به آن است. تمرکز اصلی این نوشتار بر مسأله تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی است. لیکن از آنجا که آزادی اقتصادی مفهومی در بستر نظام اجتماعی است و در ارتباط پیشین و پسین با سایر مفاهیم نظام اجتماعی قرار دارد، باید برای شناخت مسیر اثرگذاری آن، عوامل شناسایی شده توسط تئوری‌ها را که به نوعی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند شناسایی کرده و ارتباط منطقی آن‌ها را با آزادی اقتصادی بیابیم. لذا در این بخش بعد از مروری بر مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی خواهیم پرداخت.

۳-۱- بررسی مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی

در این بخش سعی می‌نماییم به برخی مسیرهایی که از آن طریق آزادی اقتصادی بر رشد اثر می‌گذارد اشاره کنیم.

۱-۳-۱- کاهش حجم دولت

یکی از اثرات آزادی اقتصادی، کوچک شدن حجم دولت است. از آنجایی که تولیدات دولتی در بسیاری از موارد غیر کارا عمل می‌کند با ورود بخش خصوصی و کاهش هزینه‌ها و هم‌چنین ارتقاء کیفیت کالا و خدمات بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی، حجم دولت در قسمت‌های غیرضروری کاهش می‌یابد. کوچک شدن دولت هزینه‌های توزیعی و تخصیصی عظیمی که دولت متحمل می‌شود را کاهش می‌دهد و کاهش هزینه‌های دولت سبب کاهش کسری بودجه و کاهش تورم می‌گردد.

از طرفی تولید دولتی به معنی کاهش قدرت دولت برای انجام وظایف اصلی است. اشتغال دولت در فعالیت‌های تولیدی که ضرورت ندارد دخالت کند، به معنی صرف بخش عظیمی از منابع مادی و مدیریتی دولت در امور غیرضروری است. قدرت نظارت دولت گسترده، بسیار کمتر از قدرت نظارت یک دولت حداقلی است.

آزادی اقتصادی و کاهش قدرت دخالت دولت در اقتصاد از مسیری دیگر نیز سبب بالا رفتن ثبات اقتصادی می‌گردد، زیرا وجود دولت به عنوان یک رقیب برای بخش خصوصی این ریسک را ایجاد می‌کند که ناتوانی دولت در رقابت با بخش خصوصی سبب گردد دولت دست به تضعیف یا حذف بخش خصوصی بزند و اموال آن را مصادره کند. بی‌ثباتی اقتصادی با بالا بردن ریسک سرمایه‌گذاری، عرضه سرمایه را کاهش داده و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را محدود می‌کند و سبب فرار سرمایه از کشور می‌شود. برعکس ثبات اقتصادی با بالا بردن امنیت، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاری، وجوه لازم را برای رشد اقتصادی فراهم می‌آورد.

۱-۳-۲- ترغیب برای پیگیری منافع شخصی

از آنجا که افراد به دنبال منافع شخصی خود هستند (مثلاً یک تولیدکننده در پی حداکثر کردن سود است) و نظام بازار آزاد، افراد را آزاد می‌گذارد تا آزادانه بهترین مسیر را برای رسیدن به منافع شخصی‌شان برگزینند که بر اساس اصل حقوق مالکیت از حقوق آن‌ها دفاع می‌شود. از این رو، افراد انگیزه‌های کافی جهت تعقیب اهداف خود در سیستم بازار خواهند داشت. ویژگی بارز قیمت‌ها این است که انگیزه‌های افراد همسو با نیازهای سیستم شکل می‌گیرد.

برای مثال در یک کالای خاص اگر تقاضای این کالا به دلیل خاصی افزایش یابد، مسلماً در سیستم بازار آزاد که بر مبنای عرضه و تقاضا عمل می‌کند، قیمت‌ها افزایش خواهند یافت و افزایش قیمت، انگیزه افزایش تولید در تولیدکننده را نیز در پی خواهد داشت و او تولیدش را افزایش خواهد داد و در نتیجه سیستم برای میزان تقاضای اضافی که به وجود آمده است، کالای جدید تولید خواهد کرد، بدون آن که کسی برخلاف «انگیزه‌ها»^۱ و «تمایلاتش»^۲ دست به کاری زده باشد. از سوی دیگر «عامل قیمت نه تنها انگیزه‌ای است برای آن که در قبال اطلاعات درباره تقاضای محصول بیشتر، اقدام مناسب انجام گیرد، بلکه سبب می‌شود محصول با کاراترین روش تولید شود». بنابراین انتظار می‌رود این سیستم، بتواند کالاهایی را با بهترین کیفیت، ارزان‌ترین قیمت و در کمترین زمان تولید کند و به دست مصرف‌کننده خود برساند، بدون آن که نیازمند یک سازماندهی قوی یا صرف هزینه‌های بالا باشد و یا این که کسی را برخلاف میلش وادار به کاری نماید. البته باید نکته‌ای را خاطر نشان ساخت و آن این که تمامی ویژگی‌های فوق برای یک بازار رقابتی صادق است. مسلماً همیشه نظام بازار به صورت ایده‌آل عمل نکرده و گاهی دارای نقایصی است، برای مثال از انحصارات خصوصی می‌توان نام برد که از ویژگی‌های فوق برخوردار نیست، اما با توجه به تعاریف آزادی اقتصادی، دولت موظف است به گونه‌ای عمل نماید که چنین شرایطی (شرایط رقابتی که از دو ویژگی فوق برخوردار باشد) ایجاد گردد.

۱-۳-۳- انتقال کارای اطلاعات

یکی از ویژگی‌های مهم در نظام بازار آزاد، استفاده از سیستم قیمت‌ها است و یکی از ویژگی‌های مهم این سیستم، انتقال سریع، به موقع و کارای اطلاعات است. سیستم قیمت‌ها در انتقال اطلاعات دارای چند ویژگی مهم است. نخست آن که اطلاعات مفید را انتقال می‌دهد، آن هم فقط به آن گروه که به دانستن اطلاعات مزبور احتیاج دارند و دیگر آن که انتقال به موقع اطلاعات است. سیستم قیمت‌ها به گونه‌ای عمل می‌کند که اطلاعات به دست کسانی که می‌توانند از آن استفاده کنند، برسد؛ بدون آن که در دست کسانی که به آن احتیاج ندارند، محصور شود. (Tadmir Institute of Economic Research, 2003)

1 - Motivation

2 - Intend

۱-۳-۴- ایجاد شفافیت و کاهش فساد مالی

سازمان شفافیت بین‌المللی^۱، فساد مالی^۲ را سوء استفاده کارکنان از منابع دولتی برای مقاصد و یا منافع شخصی تعریف می‌کند. ^۳ با توجه به این تعریف و بررسی تعاریف مختلفی که از فساد مالی شده است یک نتیجه کلی استنتاج می‌شود و آن این که یک طرف فساد مالی حتماً بخش دولتی است و فساد زمانی شکل می‌گیرد که به صورت غیرقانونی از قدرت عمومی در جهت منافع خصوصی سوء استفاده شود، حال با وجود آزادی اقتصادی از یک طرف حجم دولت کاهش یافته و از سوی دیگر بسیاری از قوانین پیچیده که منفذ فساد مالی ایجاد می‌کنند از بین می‌رود و از این مسیر، آزادی اقتصادی سبب کاهش فساد مالی می‌گردد. (Eiras, 2003)

۱-۳-۵- افزایش بهره‌وری

آزادی اقتصادی، شبکه اطلاع‌رسانی گسترده و کارآمدی از تعاملات فردی را بوجود می‌آورد که در نهایت به تخصیص بهینه منابع اقتصادی و مطلوبیت‌های فردی می‌انجامد مانند آنچه در نظام اقتصادی جوامع پیشرفته رخ داده که رقابت موجب تخصیص بهینه منابع توسط سیستم قیمت‌ها گردیده است (دستیابی به قیمت‌های واقعی موجب تخصیص بهینه منابع می‌شود). در واحدهای تولیدی دولتی از آنجایی که سود یا زیان واحد به حساب شخصی مدیران و مسئولان آن واریز نمی‌شود، حتی با فرض عدم تعمد مسئولین این واحدها به دلیل نبود سود مستقیم برای کارگزاران دولتی، تلاش فکری و عملی زیادی برای ارتقاء سیستم و کاهش هزینه‌های تولید از سوی عوامل دولتی، صورت نخواهد گرفت. در حالی که هزینه‌های تولید در بخش خصوصی به دلیلی مثل کمتر بودن نسبی میزان تولید و تعداد صنایع تحت مدیریت یک مدیر خصوصی نسبت به بخش دولتی، حداکثر تلاش برای کاهش هزینه‌ها و خودداری کامل از اسراف و تبذیر، بسیار کمتر از هزینه تولید بخش دولتی خواهد بود و لذا کارآیی فنی بخش خصوصی بالاتر از بخش دولتی است. (Abdolmaleki, 2003)

1 - Transparency International Organization

2 - Corruption

3 - www.transparency.com

در نهایت افزایش بهره‌وری ناشی از آزادی اقتصادی، منفعت کل اجتماعی را افزایش می‌دهد و سبب بالا رفتن سطح زندگی مردم می‌شود.

۱-۳-۶- ترویج رقابت و رقابت‌پذیری

آزادی اقتصادی با ایجاد رقابت در بازار چندین پیامد مهم بر جای می‌گذارد. اول: ارتقاء شایستگیان بدین معنی که در شرایط رقابتی آنچه تعیین‌کننده است شایستگی افراد و کیفیت کالاها است نه ارتباط و نزدیکی به دولت و قدرت انحصاری. به عبارتی رقابت روح انحصارطلبی را نابود می‌کند. البته اگر چه در نظام بازار ممکن است سیستم‌های غیر رقابتی شکل بگیرد و یا فیلترهایی برای ورود بوجود آید که سبب حذف رقیبان ضعیف‌تر شود ولی باز هم اثرات منفی آن در حد اقتصاد متمرکز نیست.

دوم: یک پیامد مهم دیگر رقابت، ورشکستگی بنگاه‌های با کارآمدی پایین است. ورشکستگی را می‌توان شاهکار نظام بازار دانست. به عبارت دیگر ناکارآمدی در بازار با قدرت تمام سرکوب می‌شود. در رقابت، کالاهایی با کیفیت پایین‌تر و هزینه بالاتر محکوم به تولید نشدن هستند. از سوی دیگر رقابت‌پذیری از نظر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) به معنی توانایی یک ملت در تولید کالاها و خدمات برای ارائه در بازارهای بین‌المللی و به طور همزمان حفظ یا ارتقای سطح کیفیت نهادی سرانه شهروندان در دراز مدت است. (Behkish, 2001)

تخصیص بهینه منابع و افزایش بهره‌وری، قدرت رقابت‌پذیری کشورها را افزایش می‌دهد و به اعتقاد اقتصاددانان افزایش سطح رقابت‌پذیری از طریق افزایش بهره‌وری، بهتر و مؤثرتر از رقابت‌پذیری ناشی از منابع اولیه ارزان است. در واقع شرکت‌ها و کشورهایی که از طریق پایین بودن هزینه مواد اولیه رقابت‌پذیر شده‌اند، در مقابل روش‌های تولید کم هزینه‌تر (کارایی بالاتر) و یا فن‌آوری پیشرفته‌تر، دچار مشکل می‌شوند. (Behkish, 2001)

۱-۳-۷- کاهش بخش غیررسمی

با آزادسازی اقتصادی و کاهش قوانین و مقررات دست و پاگیر برای ورود بنگاه‌ها به اقتصاد رسمی، حجم بخش غیررسمی کاهش می‌یابد، هم‌چنین کوچک شدن حجم دولت سبب کاهش فساد مالی شده از این طریق سبب کاهش حجم غیر رسمی اقتصاد می‌گردد. (Eiras, 2003)

به عبارت دیگر، وجود هزینه‌های بالای رسمی‌شدن، ناشی از بوروکراسی دولتی، سبب جذب بنگاه‌ها به سمت بخش غیررسمی می‌شود از این رو بنگاه‌ها تا جایی وارد بخش غیررسمی می‌شوند که هزینه‌های غیررسمی کمتر از هزینه‌های رسمی‌شدن باشد. (Razavi, 2005)

۱-۳-۸- بسترسازی برای تبلور انگیزه‌های نوآورانه

نوآوری در تولید کالاهای جدید به قصد انتفاع شخصی، کاری است که توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. هم‌چنین بخش خصوصی در رقابت در بازار تلاش خواهد کرد تولید خود را با کمترین هزینه ممکن انجام دهد که این اعمال تحت عنوان کارآفرینی بصورت اتوماتیک سبب رشد مدام تولیدات و افزایش کارایی اقتصادی می‌گردد.

بسترسازی برای تبلور انگیزه‌های نوآورانه به دو دلیل از عهده بخش دولتی خارج است: اول این که کارگزاران دولتی به دلیل عدم انتفاع مستقیم، تلاشی برای نوآوری و افزایش بهره‌وری نخواهند کرد و دوم وجود بوروکراسی دولتی اجازه این کار را نمی‌دهد؛ زیرا حتی اگر دولت تمایل به چنین امری داشته باشد به دلیل حجم زیاد فعالیت‌های اقتصادی که در زیر مجموعه کارآفرینی وارد می‌شوند، دولت مجبور خواهد بود بخش عظیمی از افراد جامعه را برای پیوستن به پیکره دولت دعوت کند و نتیجه آن گسترش و افزایش حجم دولت است. (Abdolmaleki, 2003)

۲- مطالعات تجربی پیشین

۲-۱- مطالعات تجربی پیشین داخلی

۱) صمیمی و آذرمند در مقاله‌ای تحت عنوان: "بررسی تاثیر متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای جهان" به بررسی ارتباط نهادهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی تعیین‌کننده انگیزه‌ها و محدودیت‌های فعالیت‌های اقتصادی پرداخته‌اند و بدین طریق بخش عمده‌ای از تفاوت در نرخ‌های سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بین کشورها را توضیح داده‌اند. در این تحقیق آزادی اقتصادی و شاخص موسسه فریزر به عنوان یکی از متغیرهای نهادی موثر بر رشد در نظر گرفته شده و نتیجه تحقیق بیانگر اثر مثبت و معنادار آن بر رشد اقتصادی می‌باشد. (Samimi & Azarmand, 2005)

۲) محمدرضا حسین زاده در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع "بررسی علل رشد

اقتصادی فزاینده ژاپن در قرن اخیر در مقایسه با اقتصاد ایران^۱ به مساله آزادی اقتصادی به طور خاص پرداخته است و بگونه‌ای تاریخی مساله نهادها را تلویحا مورد بررسی قرار داده است. (Hoseinzadeh, 2003)

۳) روح . . . شهنازی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با استفاده از مدل اسکیتون (۲۰۰۴) به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر کیفیت نهادی سرانه و اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۸۰ در ۸۷ کشور با استفاده از ادبیات اقتصاد نئوکلاسیک پرداخته است. نتیجه بیانگر اثر مثبت آزادی اقتصادی بر سطح درآمد سرانه کل نمونه و به تفکیک کشورهای کم‌درآمد، درآمد متوسط و پردرآمد است. (Shahnazi, 2006)

۲-۲- مطالعات تجربی پیشین خارجی

۱) در مطالعه‌ای که اسکالی در مورد ۱۱۵ کشور برای سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ انجام داد به این نتیجه رسید که در کشورهایی که دارای یکی از سه ویژگی آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و تسلط حقوق فردی یا هر سه مورد هستند، از رشد اقتصادی دو تا سه برابر کشورهایی که هیچ کدام از این ویژگی‌ها را ندارند، برخوردارند. (Renani, 1997)

۲) هکلمن در مقاله‌ای تحت عنوان "آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی: بررسی علی کوتاه‌مدت"^۱ به بررسی رابطه علی آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی پرداخت. شاخص آزادی اقتصادی استفاده شده در این مقاله، شاخص بنیاد هریتیج می‌باشد که به صورت مقطعی و برای ۱۴۷ کشور انجام شده است. (Heckelman, 2000)

نتیجه تست نشان می‌دهد تمامی متغیرهای آزادی اقتصادی (شاخص هریتیج) مقدم بر رشد اقتصادی می‌باشند و رشد فقط علت دو جزء از ۱۰ جزء شاخص هریتیج یعنی سیاست تجاری و مالیات‌ها می‌باشد.

۳) گارتنی در مطالعه‌ای بدین نتیجه رسید کشورهایی که بالاترین درجه آزادی اقتصادی را در دوره ۱۹۹۳-۹۵ داشته‌اند به نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۴٪ از GDP سرانه طی سال‌های ۱۹۸۰-۹۴

دست یافته‌اند. در مقابل رشد متوسط سالانه GDP سرانه ۲۷ کشور با کمترین درجه آزادی اقتصادی، منحنی ۱/۳٪ طی دوره مورد مطالعه می‌باشد. (Gwartney, 1996)

۴) کارلسون^۱ و لانداستروم^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان "آزادی اقتصادی و رشد: تجزیه تحلیل اثرات"^۳ به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد در ۷۴ کشور طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۷۵ پرداختند. متغیر مستقل مورد استفاده در این مدل علاوه بر شش جزء شاخص آزادی اقتصادی که شامل اندازه دولت، آزادی استفاده اعتبارات، آزادی تجارت با خارجی‌ها، ساختار قانونی و حفاظت از حقوق مالکیت، ساختار بازار، سیاست پولی و پایداری قیمت‌ها و آزادی مبادله در بازار سرمایه بود، متوسط تشکیل سرمایه است. (Carlsson & Lundstrom, 2002)

جدول (۱)- مطالعات انجام گرفته در مورد اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی

مطالعات	متغیر وابسته	متغیر مستقل	اثر
داوسون (۱۹۹۸)، گارتنر و لاسون و هولکب (۱۹۹۹)، دی‌هاواستورم (۲۰۰۱)، ادکینز، موماو و ساویدز (۲۰۰۲)، پیتلیک (۲۰۰۲)، ودز و کامپف (۲۰۰۲)، داوسون (۲۰۰۳)	رشد	تغییرات در شاخص آزادی اقتصادی	معنی‌دار قوی
گارتنر، لاسون و هولکب (۱۹۹۹)، هان و استورم (۲۰۰۱)، هکلن و استروپ (۲۰۰۰)، ادکینز، موماو و ساویدز (۲۰۰۲)	رشد	سطح شاخص آزادی اقتصادی	بی‌معنی
استون و والکر (۱۹۹۷)، گولداسمیت (۱۹۹۷)، داوسون (۱۹۹۸)، هانسون (۲۰۰۰)، کارلسون و لاند استورم (۲۰۰۲)، پیتلیک (۲۰۰۲)، اسکالی (۲۰۰۲)، وید و کامپف (۲۰۰۲)، داوسون (۲۰۰۳)	رشد	سطح شاخص آزادی اقتصادی	معنی‌دار قوی

Source: Sameti & Shahnazi, 2005

نتیجه اثر اجزاء آزادی اقتصادی بر رشد در این مقاله به این صورت است که ساختار بازار، آزادی استفاده از اعتبارات، ساختار قانونی و حفاظت از حقوق مالکیت و آزادی مبادله در بازار سرمایه، اثر مثبت، اندازه دولت و آزادی تجارت یا خارجی‌ها اثر منفی بر روی رشد اقتصادی داشتند و متغیر سیاست پولی و ثبات قیمت‌ها بی‌معنی بدست آمد.

1 - Carlsson

2 - Lundstrom

3 - Economic Freedom and Growth: Decomposing the Effects

مطالعات زیادی در این زمینه انجام گرفته که به دلیل کمبود فضا نتایج آن‌ها به صورت خلاصه در زیر آورده شده است

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کتابخانه‌ای است و برای این کار از دیدمان تحلیلی اقتصاد نهادگرای جدید استفاده می‌کنیم. این تحقیق با استفاده از روش شناسی لاکاتوش^۱، تحت عنوان روش شناسی برنامه‌های پژوهش علمی^۲ تلاش می‌کند به بررسی این فرضیه که آزادی اقتصادی اثر مثبت بر رشد دارد بپردازد^۳. ذکر این نکته ضروری است که با عنایت به پای‌بندی اقتصاد نهادگرای جدید به اصول اساسی نئو کلاسیک، طی تحقیق محقق نمی‌تواند فروض اصلی و هسته‌ای برنامه پژوهشی مکتب اقتصاد نئو کلاسیک از جمله عقلانیت فردی و منفعت‌طلبی شخصی و حداکثرسازی منافع را نقض کرده یا مورد چالش قرار دهد.

در اغلب مطالعات و تحقیقاتی که در زمینه آزادی اقتصادی صورت گرفته، دو شاخص جایگزین به نمایندگی از آزادی اقتصادی به کار رفته است. هر یک از این شاخص‌ها در برگیرنده چندین زیربخش می‌باشند و شامل شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج و شاخص مؤسسه فریزر هستند.

شاخص مورد استفاده در این تحقیق شاخص مؤسسه فریزر می‌باشد. این شاخص که از پنج طبقه اصلی اندازه دولت، ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم^۴، آزادی مبادله با خارجی‌ها و قوانین و مقررات مربوط به بازار اعتبار، نیروی کار و تجارت و ۳۸ زیر بخش

1 - Lakatuch

2 - Methodology of Scientific Research Programs (MSRP)

۳ - بر طبق این برنامه پژوهشی، دو نوع اصول پژوهشی، تحت عناوین اصول پژوهشی سلبی و اصول پژوهشی ایجابی و دو نوع فرضیات تحت عناوین هسته مقاوم و کمر بند محافظ وجود دارد. بر اساس اصول پژوهشی سلبی آن فرضیاتی که فرضیات پایه و اساسی در پشت برنامه‌اند و لاکاتوش تحت عنوان هسته مقاوم از آن‌ها یاد می‌کند، نباید در معرض ابطال قرار گیرند و در طول گسترش و تداوم برنامه، هسته مقاوم دست نخورده و بی‌تغییر باقی مانده و در جهت حفظ آن‌ها از اصلاح و ابطال فروض کمر بند محافظ اصلاح یا ابطال می‌شوند

۴ - این اصطلاح ترجمه واژه Sound Money است و ترجمه این اصطلاح به این صورت در مقالات و پایان نامه‌های مختلف به کار رفته است. من جمله (Shahnazi, 2006)

تشکیل شده است، در گزارش سالانه آزادی اقتصادی جهان مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به یادآوری است که درجه‌بندی این شاخص بین اعداد صفر تا ده است. عدد صفر مبین کمترین درجه آزادی اقتصادی و درجه ده موید بیشترین درجه آزادی اقتصادی است. این تحقیق طی دو مدل به بررسی اثر اجزاء آزادی اقتصادی و شاخص کل آزادی اقتصادی بر رشد کشورها به تفکیک کشورهای با کیفیت نهادی پایین، متوسط و بالا می‌پردازد.

ما در این مطالعه برای تقسیم‌بندی کشورها از میان شاخص‌های موجود، توجه خود را به ۶ شاخص حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی گردآوری شده است، متمرکز می‌کنیم. بانک جهانی حکمرانی خوب را به این صورت تعریف می‌نماید. «حکمرانی خوب در نتیجه سیاست‌گذاری قابل پیش‌بینی، آزاد و ارشادی تجسم می‌یابد؛ یک بوروکراسی آکنده از خصلت‌های حرفه‌ای؛ ابزار قوه مجریه برای پاسخگو کردن دولت در مقابل اقدامات خود؛ مشارکت وسیع جامعه مدنی در فعالیت‌های عمومی؛ و تمام رفتارهایی که تحت لوای قانون انجام می‌شود». (World Bank, 1994)

این شاخص‌ها حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدو لوباتون^۱ است که یافته‌های موسسات مختلف بین‌المللی همچون^۲ EIU،^۳ ICRG، بنیاد هریتیج و خانه آزادی^۴ پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی نموده‌اند (حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۳). آن‌ها کار خود را با این فرضیه آغاز کردند که «چگونه رسوم و نهادهایی که از مجرای آن‌ها حاکمیت در یک کشور اعمال می‌شود، در رشد و توسعه آن کشور مؤثرند». نتیجه کار این سه محقق در همگن‌سازی و تجمیع کلیه اطلاعات درباره یک کشور خاص، در قالب شش شاخص و با دادن نمراتی از ۲/۵- (به بدترین حالت) تا ۲/۵ (به بهترین حالت) برای هر شاخص، قابل ارائه است.

بر اساس تقسیم‌بندی بانک جهانی کشورهایی که درصد رتبه شاخص حکمرانی خوب آن‌ها بین

1-Daniel Kufmann, Aart Kraay, Pablo.Zoido.Lobaton

2-Economist Intelligence Unit

3-International Country Risk Group

4-Freedom House

صفر تا بیست و پنج است کشورهای با کیفیت نهادی پایین، کشورهای که درصد رتبه شاخص حکمرانی خوب آن‌ها بین بیست و پنج تا هفتاد و پنج است کشورهای با کیفیت نهادی متوسط و کشورهای که درصد رتبه شاخص حکمرانی خوب آن‌ها بین هفتاد و پنج تا صد است کشورهای با کیفیت نهادی بالا هستند. (رتبه صفر مربوط به کشوری است که نامناسبترین وضعیت نهادی و رتبه صد متعلق به کشوری است که بهترین وضعیت نهادی را داراست). شاخص کلی حکمرانی خوب از میانگین‌گیری وزنی براساس مدل اجزای اصلی^۱ از شش زیر شاخص آن بدست آمده است (Mahdavi, Bahreini & Javadi, 2008)

در این تحقیق برای آزمون از روش داده‌های تابلویی^۲ استفاده شده است. حجم نمونه تحقیق ۵۷ کشور می‌باشد. این روش مزایایی دارد من جمله این که سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی که ناهمگنی‌ها را لحاظ نمی‌کنند با ریسک دستیابی به نتایج تورش‌دار رو به رو هستند. در تحقیقی بالتاجی^۳، بدین نتیجه رسید که روش داده‌های تابلویی قادر است متغیرهای پایا نسبت به مکان و زمان را لحاظ کند درحالی که سری‌های زمانی و مطالعات مقطعی این قدرت را نداشتند. بنابراین یک امتیاز روش داده‌های تابلویی این است که برآوردهای ناریب و سازگار می‌دهد. این مدل همچنین، اطلاعات بیشتر، تغییرپذیری بیشتر، هم‌خطی کمتر، درجه آزادی بیشتر و کارایی بیشتر را ارائه می‌کند و بهتر می‌تواند پویایی‌های تعدیل (تطبیق یا اصطلاح) را نشان دهد. توزیع‌های مقطعی که نسبتاً ثابت به نظر می‌آیند تغییرات چند جانبه (پویایی چند جانبه) را نشان نمی‌دهند ولی این تغییرات توسط روش داده‌های تابلویی بهتر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. روش داده‌های تابلویی توانایی بهتری در تشخیص و اندازه‌گیری اثراتی که به راحتی در مطالعات مقطعی و سری زمانی خاص قابل پیش بینی نیستند، دارد و اجازه می‌دهند مدل‌های رفتاری پیچیده‌تری را در مقایسه با داده‌های مقطعی یا سری زمانی خاص بسازیم و آزمایش کنیم. (Baltagi, 1995)

همان‌طور که عنوان شد، رویکرد این تحقیق اقتصاد نهادگرای جدید^۴ می‌باشد؛ مروری بر

1- Principle Component model

2-Panel Data

3 - Baltagi

4 - New Institutional Economics (NIE)

تجربه برنامه‌ریزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار حکایت از آن دارد که الگوی نظری و عملی «توسعه پایدار» که بنیان فلسفی اقتصاد مرسوم را رقم می‌زند در طی اعصار گذشته بر خلاف تصور، نه تنها موجبات هم‌گرایی اقتصادی جوامع را فراهم نیاورده است بلکه بر واگرایی هر چه بیشتر جوامع دامن زده است. (Momeni, 2000) شواهد موجود موید آن است که اختلاف فاحش ثروت ملت‌ها بیشتر معلول تفاوت در کیفیت نهادها و مناسبات اجتماعی آنهاست تا میزان دسترسی جوامع به دانش و فناوری مولد جهانی یا بازارهای سرمایه یا تفاوت در نسبت جمعیت به زمین و منابع طبیعی و یا تفاوت در کیفیت سرمایه‌های انسانی (همان‌ها).

اقتصاددانان نئوکلاسیک به گفته داگلاس نورث^۱، عمدتاً از پارامترهای نهادی جوامع که تقابل میان «قواعد بازی» (کنش اقتصادی) و «رفتار کنشگران اقتصادی» را رقم می‌زنند و مرزهای عملکرد جمعی را تعیین می‌کنند، غافل مانده‌اند و آثار تبعی نهادها را در الگوهای رفتاری فعالان اقتصادی از منظر نظر دور داشته‌اند؛ غفلتی که اصرار نامعقول دولت‌ها را بر انجام فعالیت‌های اقتصادی ناکارآمد در پی داشته و به بهای سنگین عقب‌ماندگی روزافزون جوامع کمتر توسعه یافته تمام شده است.

وقوع سه حادثه عمده در تاریخ اقتصاد معاصر یعنی «تجربه کشورهای بلوک شرق در دوره بعد از فروپاشی شوروی سابق»، «وقوع بحران مالی در کشورهای شرق آسیا» و «عملکرد بیست ساله گذشته اقتصاد چین» عملاً ناقض ادعای عمومیت و قابلیت شمول مدل‌های فرمایشی اقتصاددانان مرسوم و نافی سیاست‌های فرمایشی «بانک جهانی»^۲ و «صندوق بین‌المللی پول»^۳ بوده است و دست کم بر ضرورت انطباق رهنمودها و سیاست‌گذاری‌های توسعه با شرایط و مقتضیات محیطی جوامع صحه گذاشته است.

در این میان اتفاقاتی که در کشورهای تازه استقلال یافته بعد از فروپاشی شوروی سابق روی داد دیدگاه تجویزی اقتصاددانان مرسوم و روش‌شناسی فرمالیستی و ریاضی‌وار معمول در اقتصاد

1 - Douglas C. North

2 - World Bank

3 - International Monetary Fund (IMF)

نئو کلاسیک را به گونه‌ای معنادار زیر سوال برد و توجه نظریه‌پردازان توسعه را به سمت صاحب‌نظرانی معطوف نمود که مقارن با تحولات اجتماعی - سیاسی اواخر قرن بیستم، تحلیل‌های کیفی جامعه‌شناختی و تاریخی را در کانون مطالعات خود قرار داده بودند و راه حل معضل توسعه نیافتگی جوامع را صرفاً در مدل‌های انعطاف‌ناپذیر اقتصاد ارتدوکس رایج جستجو نمی‌کردند.

رویکرد «اقتصاد نهادگرای جدید» که عمدتاً در آراء رونالد کوز^۱، داگلاس نورث و الیور ویلیامسون^۲ تکوین یافته است، ضمن تأکید بر تأثیر تعیین‌کننده ترتیبات و چارچوب‌های نهادی جامعه بر الگوهای رفتاری افراد، واکنش‌های متفاوت کنشگران اقتصادی را بازتابی از شرایط نهادی حاکم بر جامعه می‌داند. ویژگی منحصر به فرد دیدگاه نهادگرا، تکثرگرایی علمی آن است که علوم انسانی دیگر از جمله جامعه‌شناسی، تاریخ، حقوق، علوم سیاسی، مدیریت و روانشناسی را در تحلیل‌های اقتصادی خود به خدمت می‌گیرد و در چارچوب یک رهیافت میان‌رشته‌ای، نهادهای اجتماعی و حقوقی تأثیرگذار بر کنش‌های اقتصادی فردی و جمعی و مجموعه شرایط زیر بنایی فعالیت‌های اقتصادی را منظور نظر قرار می‌دهد.

بطور خلاصه، اقتصاد نهادگرای جدید با اتخاذ رهیافتی میان‌رشته‌ای و با اتکا به علوم اجتماعی گوناگون، اصول و مبانی پایه‌ای اقتصاد نئو کلاسیک مرسوم را زیر سوال می‌برد، مقوله عقلانیت محدود^۳ را جایگزین فرض عقلانیت آگاهانه می‌کند و در مقابل کنش فردی فعالان اقتصادی بر کنش جمعی^۴ آن‌ها متمرکز می‌شود. این رویکرد به نقش نیات، انگیزه‌ها، باورها و نگرش‌های ایدئولوژیک افراد در رفتارهای اقتصادی آن‌ها اهمیت می‌دهد و درصدد مشخص کردن عوامل و انگیزه‌های اجتماعی گوناگون بر می‌آید که در تعیین نوع رفتارهای اقتصادی کنشگران اقتصادی ایفای نقش می‌کنند.

۴- مدل‌های مورد استفاده

-
- 1 - Ronald H. Coase
 - 2 - Oliver E. Williamson
 - 3 - Bounded Rationality
 - 4- Collective Action

در این قسمت سعی شده است تا از بهترین مدل در این رابطه که اصل قلت متغیرهای توضیحی هم در آن رعایت شده است و علاوه بر آن توضیح‌دهندگی مدل نیز کاهش نیابد، استفاده شود. در همین راستا مدل‌های زیر انتخاب شد. در این مدل‌ها از یک سری متغیرها مانند نیروی کار به دلیل ثابت فرض کردن نرخ رشد آن صرف نظر شده است. دلایل دیگر در رابطه با حذف این متغیرها را می‌توان در مقاله (Carlsson & Lundstrom, 2002) ملاحظه نمود.

در این بخش از مدل (Carlsson & Lundstrom, 2002) و مدل داده‌های تلفیقی پویای (Weinhold, 1999) به عنوان مدل‌های مبنا استفاده شده است. مدل وینهلد مشتمل بر دو جزء می‌باشد: جزء اول اثرگذار از نظر وی رشد دوره قبل و بخش دوم سایر عوامل است. این مدل به صورت زیر می‌باشد:

$$g_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 g_{it-1} + \sum_{j=1}^n \beta_j A_{jit} + \varepsilon_{it} \quad (1-4)$$

در این مدل متغیرها عبارتند از:

g_{it} : رشد کشور i در سال t

g_{it-1} : رشد کشور i در سال $(t-1)$

A : سایر عوامل

همچنین کارلسون و لاند استروم در مقاله‌ای تحت عنوان "آزادی و رشد اقتصادی: تجزیه و تحلیل اثرها" به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد در ۷۴ کشور طی سال‌های ۹۵-۱۹۷۵ با استفاده از مدل زیر پرداختند:

$$g_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 INV_{it} + \sum_{j=1}^7 \beta_j EF_{jit} + \varepsilon_{it} \quad (2-4)$$

در این مدل g_{it} رشد کشور i در سال t ، INV_i میزان تشکیل سرمایه کشور i در سال t ، EF_i ارزش شاخص آزادی اقتصادی و EF_{jit} جزء j ام شاخص آزادی اقتصادی کشور i در سال t است. قابل ذکر است شاخص آزادی اقتصادی استفاده شده در این مقاله شامل موارد زیر است: ۱- اندازه دولت؛ ۲- ساختار بازار؛ ۳- آزادی استفاده از اعتبارات؛ ۴- سیاست پولی و پایداری قیمت‌ها؛ ۵- آزادی تجارت با خارجی‌ها؛ ۶- آزادی مبادله در بازار سرمایه و ۷- ساختار قانونی

و حفاظت از حقوق مالکیت (Carlsson & Lundstrom, 2002)

جدول (۲) - کشورهای مورد استفاده در تحقیق به تفکیک سطح کیفیت نهادی

کشورهای با کیفیت نهادی بالا	کشورهای با کیفیت نهادی متوسط	کشورهای با کیفیت نهادی پایین
آلمان	آلبانی	اکوادور
اتریش	آرژانتین	ایران
اسپانیا	اروگوئه	بروندی
استرالیا	اکراین	بنگلادش
امریکا	برزیل	پاکستان
ایرلند	بلژ	جمهوری کنگو
ایسلند	بنین	چاد
بلژیک	بلغارستان	روسیه
پرتغال	ترکیه	زیمباوه
دانمارک	جامایکا	کامرون
ژاپن	جمهوری آفریقای جنوبی	گینه بیسائو
سنگاپور	جمهوری دومینکن	نپال
سوئیس	چین	نیجریه
فرانسه	رومانی	هائیتی
فنلاند	عمان	ونزوئلا
کانادا	غنا	
نروژ	کنیا	
زلاندنو	گابن	
هنگ کنگ	گویان	
	لهستان	
	لیتوانی	
	مالزی	
	مکزیک	

منبع: بانک جهانی و تحقیق حاضر

از آنجا که در تحقیق حاضر شاخص آزادی اقتصادی بنیاد فریزر مورد استفاده قرار گرفته است، از این رو مدل کارلسون و لاند استروم برای استفاده در تحقیق حاضر این تصحیح را یافته است که تعداد اجزاء شاخص آزادی اقتصادی در مدل به جای هفت جزء، پنج جزء می باشد.

کشورهای نمونه و الگوی انتخاب آنها

آمارهای آزادی اقتصادی موسسه فریزر، تا گزارش سال ۲۰۰۸ این موسسه فقط ۱۴۱ کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد، این تحقیق از بین این ۱۴۱ کشور یک نمونه ۵۷ کشوری را با استفاده از تکنیک‌های آماری انتخاب نموده است. از بین ۱۴۱ کشور، طبق تقسیم‌بندی ۲۰۰۸ بانک جهانی، ۳۶ کشور با کیفیت نهادی بالا، ۷۴ کشور با کیفیت نهادی متوسط و ۳۱ کشور با کیفیت نهادی پایین می‌باشند. که طبق درصد نمونه گرفته شده از بین کل جامعه آماری و اعمال این درصد در این سه طبقه کیفیت نهادی یک نمونه ۱۹ کشوری از بین کشورهای با کیفیت نهادی بالا، یک نمونه ۲۳ کشوری از بین کشورهای با کیفیت نهادی متوسط و یک نمونه ۱۵ کشوری از بین کشورهای با کیفیت نهادی پایین انتخاب شده است. نمونه کشورهای مورد استفاده در این تحقیق به تفکیک طبق جدول زیر می‌باشند.

دوره مورد بررسی در این تحقیق سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۰۰ می‌باشد.

برآورد مدل

در این مقاله از دو نوع مدل استفاده شده است. در مدل اول اثر تک تک زیر شاخص‌های آزادی اقتصادی یک‌بار بر روی کل نمونه و یک‌بار بر روی نمونه طبقه‌بندی شده بر اساس کیفیت نهادی آزمون می‌شود. در مدل دوم به جای آزمون تک تک زیر شاخص‌های آزادی اقتصادی، اثر شاخص کلی آزادی اقتصادی، یک‌بار بر روی کل نمونه و یک‌بار بر روی نمونه طبقه‌بندی شده بر اساس کیفیت نهادی آزمون می‌گردد.

۱-۶) مدل اول

با توجه به مطالب بیان شده و تعدیلات صورت گرفته در مدل کارلسون و لاند استروم و وینهلد مدل اول مورد استفاده این تحقیق، جهت بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد عبارتست از:

$$g_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 g_{it-1} + \alpha_2 INV_{it} + \beta_1 SIZ_{it} + \beta_2 PRO_{it} + \beta_3 SM_{it} + \beta_4 FTR_{it} + \beta_5 LOW_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این مدل، رشد اقتصادی تابعی از میزان تشکیل سرمایه و اجزاء آزادی اقتصادی در نظر گرفته شده است و متغیرهای آن به تفکیک عبارتند از:

g_{it} :

رشد اقتصادی کشور i در سال t

رشد اقتصادی کشور i در سال $(t-1)$: g_{it-1}
 میزان تشکیل سرمایه کشور i در سال t : INV_{it}
 مقدار شاخص اندازه دولت کشور i در سال t : SIZ_{it}
 مقدار شاخص ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت کشور i در سال t : PRO_{it}
 مقدار شاخص دسترسی به پول سالم کشور i در سال t : SM_{it}
 مقدار شاخص آزادی برای تجارت با خارجی‌ها در کشور i در سال t : FTR_{it}
 مقدار شاخص قوانین و مقررات اعتبار، نیروی کار و تجارت کشور i در سال t : LOW_{it}

این مدل نیز یک بار برای کل ۵۷ کشور نمونه و سه بار به تفکیک برای کشورهای با کیفیت نهادی بالا، با کیفیت نهادی متوسط و با کیفیت نهادی پایین تخمین زده شده است. نتایج تخمین مدل اول برای کل نمونه مورد بررسی در جدول زیر آمده است. ابتدا جهت مشخص کردن نوع تخمین مدل از دو آزمون F لیمر و هاسمن استفاده می‌شود. در آزمون لیمر، فرضیه H_0 یعنی یکسان بودن عرض از مبداها (روش ترکیبی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 یعنی ناهمسانی عرض از مبداها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. بنابراین در صورت رد فرضیه H_0 روش داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود.

$$F = \frac{(RRSS - URSS) / (N - 1)}{(URSS) / (NT - N - K)} \approx F_{N-1, N(T-1)-K}$$

با مقایسه F محاسباتی فوق با F جدول مشاهده می‌شود که اگر فرضیه صفر رد شد و فرضیه مقابل آن مبتنی بر لزوم بررسی مطالعه به صورت داده‌های تابلویی مورد تایید قرار گرفت، روش داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود.

روش داده‌های تابلویی خود به دو صورت است: روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی. که انتخاب یکی از این دو روش با استفاده از آزمون هاسمن انجام می‌پذیرد.

در مدل اول، F لیمر برابر ۱۱/۲۲ و آزمون هاسمن برابر ۱۵/۳۶ میباشد در نتیجه مدل داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت مورد قبول می‌باشد.

جدول (۳) - نتایج تخمین مدل اول اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی برای کل نمونه مورد بررسی

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	F لیمر	آزمون هاسمن	R^2	D-W	تابلویی
							روش
رشد اقتصادی در دوره قبل	۰/۱۷۲	۲/۱۱	۱۲/۶۲	۱۶/۱۸	۰/۷۶	۱/۸۸	تابلویی

					اندازه دولت	۰/۲۳۵	۱/۲۹۱
					استقلال قضایی و امنیت حقوق مالکیت	۰/۳۲۱	۱/۹۸
					پول سالم	۰/۲۱۱	۱/۱۸
					آزادی تجارت با خارجی‌ها	۰/۱۲۳	۱/۲۴
					قوانین و ضوابط	۰/۷۴۶	۲/۲۱
					تشکیل سرمایه	۰/۱۶۸	۱/۹۶

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج برآورد نشان می‌دهد، رشد دوره قبل اثر مثبت و کاملاً معنی‌داری بر رشد دارد و به عبارتی یک درصد افزایش رشد اقتصادی دوره قبل ۰/۱۷۲ درصد رشد دوره بعد را افزایش می‌دهد که بیانگر پویایی رشد است. همچنین اثر میزان تشکیل سرمایه مثبت و معنی‌دار می‌باشد. اثر اندازه دولت بر رشد مثبت بوده ولی در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار نیست به عبارتی اندازه دولت بر رشد کشورها اثر معنی‌داری نداشته است. ساختار قضایی و امنیت حقوقی مالکیت اثر مثبت بر رشد دارد و معنی‌داری آن در سطح ۹۵ درصد تأیید می‌گردد. اثر پول سالم بر سطح رشد اگر چه مثبت است ولی معنی‌دار نمی‌باشد به عبارتی پول سالم اثر معنی‌داری بر رشد نداشته است. هم‌چنین اثر آزادی تجارت خارجی بر رشد بر اساس تخمین این مدل مثبت و البته معنی‌دار نیست. به عبارتی آزادی تجارت خارجی نیز از نظر این مدل نتوانسته اثر معنی‌داری بر رشد داشته باشد. در نهایت اثر قوانین و ضوابط بر رشد اقتصادی مثبت و کاملاً معنی‌دار است. در بین اجزاء آزادی اقتصادی در این تخمین، قوانین و ضوابط اثر بیش‌تری بر رشد اقتصادی داشته است، که این موضوع اهمیت ویژه این جزء را نشان می‌دهد. قدرت توضیح‌دهندگی مدل $R^2 = ۰/۷۲$ می‌باشد که نسبتاً خوب است^۱.

در تخمین دیگر همین مدل برای سه گروه کشورهای با کیفیت نهادی بالا، کیفیت نهادی متوسط و کیفیت نهادی پایین تخمین زده شده است که نتایج آن در جدول (۳-۴) بصورت خلاصه شده مشخص است:

۱- در مورد R^2 در مدل‌های داده‌های تابلویی، همیلتون (۲۰۰۵) ثابت کرده است که مدل‌های با R^2 حدوداً برابر با ۵/ نیز، قدرت توضیح‌دهندگی بالایی دارند.

جدول (۴) - نتایج تخمین مدل اول اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی به تفکیک کیفیت نهادی کشورها

کشورهای با کیفیت نهادی بالا				کشورهای با کیفیت نهادی متوسط				کشورهای با کیفیت نهادی پایین				متغیرهای مستقل
R ²	D-W	آماره t	ضریب	R ²	D-W	آماره t	ضریب	R ²	D-W	آماره t	ضریب	
۰/۷۱	۱/۹۵	۲/۰۹	-۰/۲۹۱	۰/۶۹	۱/۹۱	۱/۹۸	-۰/۰۶۵	۰/۷۵	۱/۹۸	۳/۱۸	۰/۳۵	رشد اقتصادی در دوره قبل
										۰/۶۳۶	۰/۰۶۲	اندازه دولت
										۲/۰۳	۰/۶۵۲	ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت
										۱/۰۲۱	۰/۲۵۶	پول سالم
										۰/۳۰۲	۰/۰۷	آزادی تجارت یا خارجی ها
										۱/۹۹	۰/۲۹۵	قوانین و ضوابط
										۲/۰۹	۰/۱۸	تشکیل سرمایه
										-۲/۵۳	-۱/۳۶	c
۷/۲۱				۶/۹۹				۵/۰۲				F لیمر
(۰/۰۰۳) ۲۰/۶۵				(۰/۰۰۱) ۴۲/۲۱				(۰/۹) ۲/۶۲				آزمون هاسمن
داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت				داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت				داده‌های تابلویی از نوع اثرات تصادفی				نوع مدل

منبع: محاسبات تحقیق

در کشورهای با کیفیت نهادی پایین، اثر رشد اقتصادی دوره قبل بر دوره فعلی مثبت و کاملاً معنی دار است. و افزایش یک درصد رشد بر دوره قبل بیانگر ۰/۳۵ درصد افزایش رشد در دوره فعلی است. بر اساس تخمینات اثر مقدار تشکیل سرمایه نیز بر رشد اقتصادی مثبت و کاملاً معنی دار است. بر اساس نتایج تخمین مدل برای کشورهای با کیفیت نهادی پایین از بین اجزاء آزادی اقتصادی فقط اثر ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت و اثر قوانین و ضوابط بر رشد مثبت و معنی دار است. این مسأله نشان می‌دهد کشورهای با کیفیت نهادی پایین در بین اجزاء شاخص آزادی اقتصادی در وهله اول از کمبود یک ساختار مستقل قضایی، نهادهای تضمین کننده حقوق مالکیت و قوانین و ضوابط سالم مربوط به نیروی کار، تعرفه و کسب و کار رنج می‌برند و درصدی بهبود در این شرایط به سرعت اثر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی این کشورها می‌گذارد. به گونه‌ای که یک درصد بهبود در شاخص ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت ۰/۶۵ درصد و یک درصد افزایش در شاخص قوانین و ضوابط ۰/۲۹ درصد افزایش در رشد اقتصادی را به همراه دارد. اثر شاخص‌های آزادی اقتصادی یعنی اندازه دولت، پول سالم و آزادی مبادله خارجی‌ها بر رشد اقتصادی کشورهای با کیفیت نهادی پایین مثبت است ولی معنی دار نمی‌باشد. قابل ذکر است با توجه به آزمون F که مقدار آن ۵/۰۲ گردیده مدل‌های پانل انتخاب می‌گردد.

از بین مدل‌های تخمین خورده برای کشورهای با کیفیت نهادی متوسط بر اساس آزمون F لیمر

و آزمون هاسمن، در نهایت مدل اثرات ثابت انتخاب گردیده است که نتایج آن به همراه مقدار F لیمر و آزمون هاسمن و R^2 در جدول آمده است. بر اساس نتایج تخمین اثر رشد اقتصادی دوره قبل و اثر مقدار تشکیل سرمایه بر رشد اقتصادی دوره بعد مثبت بوده و معنی دار است.

از بین اجزاء شاخص آزادی اقتصادی اثر هر پنج زیرشاخص بر رشد اقتصادی مثبت است و از بین آن‌ها اثر دو متغیر ساختار قضایی و قوانین و ضوابط بر رشد اقتصادی معنی دار است. به عبارتی در کشورهای با کیفیت نهادی متوسط هم‌چون کشورهای با کیفیت نهادی پایین، مهمترین اجزاء آزادی اقتصادی اثرگذار بر رشد ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت و قوانین و ضوابط نیروی کار، تعرفه و کسب و کار است. و اثر سایر اجزاء رشد اقتصادی معنی دار نیست. قدرت توضیح‌دهندگی کل مدل برای کشورهای با کیفیت نهادی متوسط ۰/۶۹ است.

مدل مذکور یک بار نیز برای کشورهای با کیفیت نهادی بالای موجود در نمونه تخمین خورده است. نتایج این تخمین نیز در جدول (۳-۴) آمده است. نتایج نشان می‌دهد، اثر رشد دوره قبل در کشورهای پر کیفیت نهادی بر رشد این دوره مثبت و معنی دار است و یک درصد افزایش رشد دوره قبل حدود ۰/۲۹ درصد افزایش رشد دوره جاری را سبب می‌گردد. به عبارتی رشد اقتصادی در این کشورها پویا بوده و تابعی از رشد دوره قبل می‌باشد. اثر تشکیل سرمایه بر رشد اقتصادی این کشورها مثبت و در عین حال غیر معنی دار است به عبارتی بر اساس نتایج تحقیقات این مدل مقدار تشکیل سرمایه بر رشد اقتصادی کشورهای پر کیفیت نهادی اثر معنی داری ندارد. این مسأله شاید ناشی از اشباع شدن ظرفیت سرمایه‌های فیزیکی این کشورهای در سطح سرمایه‌های انسانی موجود باشد. به عبارتی در این کشورها ممکن است به دلیل وجود سرمایه فیزیکی بسیار بالا عامل اصلی تعیین رشد، سرمایه انسانی باشد. از بین ۵ جزء آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر اثر چهار عامل بر رشد اقتصادی مثبت و اثر یک عامل منفی است. اندازه دولت اثر معنی داری بر رشد اقتصادی کشورهای با کیفیت نهادی بالا ندارد به عبارتی با توجه به نتایج این مدل می‌توان گفت کوچکی یا بزرگی دولت نمی‌تواند بر رشد اقتصادی کشورهای با کیفیت نهادی بالا اثر معنی داری داشته باشد. شاید دلیل اصلی آن وجود انواع دولت‌ها (بزرگ و متوسط و کوچک) در کشورهای با کیفیت نهادی بالا باشد. اثر ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت بر رشد کشورهای با کیفیت نهادی بالا مثبت و معنی دار است به عبارتی در این دسته کشورها نیز حمایت از حقوق مالکیت خصوصی و استقلال ساختار قضایی اهمیت ویژه‌ای در ایجاد انگیزه عوامل تولید و افزایش رشد اقتصادی دارد.

بر اساس تحقیقات این مدل اثر پول سالم بر رشد اقتصادی این کشورها مثبت بوده و معنی دار نمی‌باشد به عبارتی افزایش تورم اثر معنی داری بر رشد اقتصادی ندارد.

جزء چهارم شاخص آزادی اقتصادی فریزر یعنی آزادی تجارت با خارجی‌ها دارای اثر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی است. این نتیجه نشان می‌دهد رشد کشورهای با کیفیت نهادی بالا تا حد زیادی وابسته به میزان توانایی آن‌ها در تجارت بین‌الملل است و رشد اقتصادی این کشورها در این دوره‌ها وابستگی نسبتاً زیادی با آزادی تجارت با کشورهای خارجی دارد.

در نهایت اثر جزء پنجم شاخص آزادی اقتصادی یعنی قوانین و ضوابط بر رشد اقتصادی منفی بوده و معنی دار نمی‌باشد. این نتیجه بدین معنی است که افزایش قوانین و ضوابط (یعنی کاهش شاخص آزادی اقتصادی) اثر مثبت بر رشد اقتصادی این کشورها دارد. در توجیه نظری این مطلب می‌توان گفت از آن‌جا که معمولاً ضوابط و مقررات اجراء شده در کشورهای با کیفیت نهادی بالا کاملاً حساب شده و کارشناسی شده انجام می‌گیرد و اثر اصلی آن در کاهش هزینه‌های مبادله است از این رو می‌تواند اثر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. قدرت توضیح دهنده مدل مورد بررسی برای کشورهای با کیفیت نهادی بالا ۷۱ درصد ($R^2 = 0.71$) است

۲-۶) مدل دوم

دومین مدلی که برای بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است، همان مدل کارلسون و لاند استروم با یک تغییر می‌باشد. بدین صورت که در مدل دوم به جای بررسی اثر اجزاء آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی فقط اثر شاخص کل آزادی اقتصادی بر رشد مورد توجه قرار گرفته است. این مدل عبارتست از:

$$g_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 g_{it-1} + \alpha_2 INV_{it} + \alpha_3 EFW_{it} + \varepsilon_{it} \quad (4-4)$$

متغیرهای مدل عبارتند از:

g_{it} : رشد کشور i در سال t

g_{it-1} : رشد کشور i در سال $t-1$

INV_{it} : میزان تشکیل سرمایه کشور i در سال t

EFW_{it} : اندازه شاخص آزادی اقتصادی کشور i در سال t

این مدل یک بار برای کل نمونه و سه بار دیگر به تفکیک برای کشورهای با کیفیت نهادی

پایین، کیفیت نهادی متوسط و کیفیت نهادی بالا در تحقیق تخمین خورده است.

جدول (۵) - نتایج تخمین مدل دوم اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی برای کل نمونه مورد بررسی

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	F ^۲ لیمر	آزمون هاسمن	R ²	D-W	نوع مدل
رشد اقتصادی در دوره قبل	۰/۲۴۵	۳/۵۲	۱۰/۸۴	۱۷/۹۲	۰/۷۳	۱/۹۴	اثرات تصادفی تبلوی از نوع داده‌های پنل
کل شاخص آزادی اقتصادی	۰/۶۴۸	۲/۰۶					
تشکیل سرمایه	۰/۱۲۵	۲/۶۸					

منبع: محاسبات تحقیق

نتیجه تخمین اول برای کل نمونه در جدول بالا آمده است. نتایج بیانگر اثر مثبت و معنی دار آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی می باشد. از نتایج مدل اثرات ثابت که بر اساس آزمون F لیمر و هاسمن انتخاب شده و در جدول (۵) مشخص است که آزادی اقتصادی اثر مثبت و کاملاً معنی داری بر رشد دارد. همچنین اثر رشد دوره قبل بر رشد این دوره مثبت و کاملاً معنی دار است. به عبارتی رشد هر دوره تابعی از رشد دوره قبل نیز می باشد و رشد پویا است. هم چنین اثر تشکیل سرمایه بر رشد اقتصادی نیز مثبت است. قدرت توضیح دهنده کلی مدل ۷۳ درصد ($R^2=0/73$) می باشد.

همان طور که گفته شد این مدل سه بار به ترتیب برای کشورهای با کیفیت نهادی پایین، کیفیت نهادی متوسط و کیفیت نهادی بالا نیز تخمین خورده است که نتایج هر سه در جدول زیر آمده است.

بر اساس این نتایج اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای با کیفیت نهادی پایین مثبت بوده اما معنی دار نیست. به عبارتی بر اساس نتایج مدل فعلی در این کشورها آزادی اقتصادی اثر معنی داری بر رشد اقتصادی ندارد ولی رشد دوره های قبل و تشکیل سرمایه اثر مثبت و کاملاً معنی داری بر رشد اقتصادی دارد، با توجه به نتایج تخمین مدل فعلی می توان نتیجه گرفت مسأله اصلی رشد اقتصادی در کشورهای با کیفیت نهادی پایین، کمبود میزان سرمایه در این کشورها است. قابل ذکر است در این گروه کشورها با توجه به آزمون F لیمر و هاسمن روش اثرات تصادفی انتخاب شده است. قدرت توضیح دهنده کلی مدل ۷۱ درصد است.

جدول (۶) - نتایج تخمین مدل دوم اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی به تفکیک کیفیت نهادی کشورها

کشورهای با کیفیت نهادی بالا				کشورهای با کیفیت نهادی متوسط				کشورهای با کیفیت نهادی پایین				متغیرهای مستقل
R ²	D-W	آماره t	ضریب	R ²	D-W	آماره t	ضریب	R ²	D-W	آماره t	ضریب	
۰/۵۹	۱/۹۳	۳/۷۶	۰/۴۲	۰/۶۹	۱/۸۹	۱/۹۹	۰/۱۶۱	۰/۷۱	۱/۹۹	۴/۲۱	۰/۳۵	رشد اقتصادی در دوره قبل
		۱/۹۸	۰/۳۱			۲/۵۴	۱/۰۹			۱/۳۲	۰/۵۱	کل شاخص آزادی اقتصادی
		۱/۲۵	۰/۱۹			۱/۶۸	۰/۶۹			۲/۵۳	۰/۲۷	تشکیل سرمایه
		-	-			-	-			-۲/۳۶	-۱/۸۵	c
۶/۱				۷/۳۹				۵/۹۹				F-تلمیر
(۰/۰۰۳)۳۶/۳				(۰/۰۰۱)۳۲				(۰/۶۰) ۱/۷				آزمون هاسمن
داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت				داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت				داده‌های تابلویی از نوع اثرات تصادفی				نوع مدل

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج تخمین مدل در کشورهای با کیفیت نهادی متوسط طبق جدول (۶) بیانگر اثر مثبت و معنی‌دار آزادی اقتصادی و رشد دوره‌های گذشته بر رشد اقتصادی می‌باشد و اثر تشکیل سرمایه بر رشد اقتصادی در سطح ۹۰ درصد معنی‌دار است. به عبارتی بر اساس نتایج این مدل در کشورهای با کیفیت نهادی متوسط یکی از مهمترین متغیرهای اثرگذار بر رشد اقتصادی آزادی اقتصادی است. قابل ذکر است درجه توضیح دهندگی این مدل ۶۹ درصد می‌باشد.

جدول (۷) - نتایج تخمین مدل اول

نتایج تخمین مدل اول		رشد دوره قبل		اندازه دولت		حقوق مالکیت		یول سالم		آزادی تجارت		قوانین و ضوابط		تشکیل سرمایه	
جهت رابطه	معنی‌داری	جهت رابطه	معنی‌داری	جهت رابطه	معنی‌داری	جهت رابطه	معنی‌داری	جهت رابطه	معنی‌داری	جهت رابطه	معنی‌داری	جهت رابطه	معنی‌داری	جهت رابطه	معنی‌داری
+	۹۵	-	۹۵	-	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	-	۹۵	-	۹۵
کم کیفیت نهادی		+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵
تخمین به تفکیک سطح کیفیت نهادی		+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵
بر نهادی		+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	-	۹۵	+	۹۵

منبع: محاسبات تحقیق

جدول (۸) - نتایج تخمین مدل دوم

نتایج تخمین مدل دوم		رشد دوره قبل		شاخص کل آزادی اقتصادی		تشکیل سرمایه	
جهت رابطه	معنی‌داری	جهت رابطه	معنی‌داری	جهت رابطه	معنی‌داری	جهت رابطه	معنی‌داری
+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	۹۵

۹۵	+	۹۵	+	۹۵	+	تخمین برای کل	
۹۵	+	بی معنی	+	۹۵	+	کم کیفیت نهادی	تخمین به تفکیک سطح کیفیت نهادی
۹۰	+	۹۵	+	۹۵	+	کیفیت نهادی متوسط	
بی معنی	+	۹۵	+	۹۵	+	پر کیفیت نهادی	

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج تخمین مدل برای کشورهای با کیفیت نهادی بالا نشان می‌دهد در این کشورها اثر آزادی اقتصادی بر رشد مثبت بوده و معنی‌دار است. در این کشورها طبق نتایج مدل اثر مقدار تشکیل سرمایه نیز بر رشد اقتصادی معنی‌دار نیست که البته این می‌تواند ناشی از وجود حجم بالای سرمایه در این کشورها باشد و این که این کشورها در زمینه سرمایه فیزیکی با توجه به منابع سرمایه انسانی موجود به یک حد اشباع رسیده‌اند. با توجه به نتایج تخمین اثر رشد اقتصادی دوره قبل بر رشد اقتصادی دوره بعد مثبت و کاملاً معنی‌دار است. به عبارتی افزایش رشد اقتصادی دوره قبل طبق نتایج این مدل به میزان زیادی بر رشد اقتصادی این دوره در کشورهای پرکیفیت نهادی مؤثر می‌باشد. قدرت توضیح‌دهندگی مدل برای کشورهای با کیفیت نهادی بالا ۵۹ درصد است.

۷- نتیجه‌گیری

۱) نتایج نشان می‌دهد ارتقا شاخص کلی آزادی اقتصادی موجب بهبود رشد اقتصادی می‌گردد. اما از بین زیر شاخص‌های شاخص آزادی اقتصادی دو زیر شاخص ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت و قوانین و ضوابط معنی‌دار است و فرضیه ما را تایید می‌کند، اما سه زیر شاخص دیگر که شامل اندازه دولت، پول سالم و اندازه دولت این طور نیستند.

۲) از زیر شاخص‌های شاخص آزادی اقتصادی دو زیر شاخص ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت و آزادی تجارت با خارجی‌ها منجر به افزایش آزادی اقتصادی در کشورهای با کیفیت نهادی بالا می‌شوند اما سه زیر شاخص اندازه دولت، پول سالم و قوانین و ضوابط معنادار نیستند. هم‌چنین طبق نتایج بدست آمده از تخمین مدل دوم اثر کل شاخص آزادی اقتصادی بر رشد معنادار است.

۳) دو زیر شاخص ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت و قوانین و ضوابط تایید کننده اثر مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای با کیفیت نهادی پایین دارند و سه زیر شاخص اندازه دولت و دسترسی به پول سالم و آزادی تجارت با خارجی‌ها این اثر را تایید نمی‌کند. همچنین کل شاخص آزادی اقتصادی روی رشد اقتصادی اثر مثبت و معناداری دارد.

۴) از زیر شاخص‌های آزادی اقتصادی دو زیر شاخص ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت و قوانین و ضوابط بیانگر اثر مثبت آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای با کیفیت نهادی پایین است و سه زیر شاخص دیگر معنادار نیستند. در مورد مدل دوم که تخمین رابطه کل شاخص آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی است، نتایج معناداری بدست نیامده است.

۵) اگر بپذیریم که شاخص‌های آزادی اقتصادی پوشش دهنده مناسبی برای سنجش مفهوم آزادی اقتصادی هستند، در مسیر عینیت یافتن اثر شاخص آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی از طریق تغییر اجزا، موانع یا گره‌هایی وجود دارد که مانع از تحقق رشد اقتصادی می‌شوند. به بیان دقیق‌تر، بسط آزادی اقتصادی شرط مولد و نه شرط کافی برای تحقق رشد اقتصادی است. لذا برای کفایت شرط تحقق رشد اقتصادی در نتیجه بسط آزادی اقتصادی باید موانع سیاستی بر سر راه را برداریم و یا این که اگر موانع نهادی است و امکان تغییر آن در کوتاه مدت وجود ندارد، باید در چهارچوب محیط نهادی راه حل بهینه‌ای را جهت تحقق امر یافت.

۶) از آنجا که گره‌های طرح شده می‌توانند نقش جدی در اثرگذاری آزادی اقتصادی داشته باشند و در حین تحقیق ناکارآمدی شاخص‌های مذکور برای تعقیب وقوع یا عدم وقوع رشد اقتصادی مشخص شده است، لازم است که این شاخص با عنایت به تفاوت ساختار اقتصادی جوامع مورد بازنگری قرار گرفته و اجزای آن اصلاح شوند.

۷) از آنجا که شاخص‌های آزادی اقتصادی ریشه در ادبیات اجماع و اشنگنتی دارند، در واقع نمی‌توان آن‌ها را نمونه‌هایی از مفهوم عمیق آزادی اقتصادی دانست. لذا این شاخص‌ها را تنها می‌توان نمادی از وضعیت زیر شاخص‌های آن‌ها تلقی کرده و به عنوان مثال شاخص فریزر را جهت کسب اطلاع از اندازه دولت، ساختار قضایی و حمایت از حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم، آزادی تجارت با خارجیان و ضوابط مربوط به اعتبارات، بازار نیروی کار و کسب و کار به کار برد.

References

- 1- Annual Report. Vancouver: The Fraser Institute, (2002). Data retrieved from www.freetheworld.com
- 2- Behkish, Mohammad Mahdi (2001). **Iran's Economy in the Context of Globalization**. Published by Ney Publications, Tehran (in Persian)
- 3- Carlsson, F.,S, Lundström (2001). **Economic Freedom and Growth: Decomposing the Effects**. Working Paper in Economics no. 33. January 2001. Department of Economics. Göteborg University
- 4- Coase, Ronald (1997). **The Nature of the Firm**. Translated by Arjmand, Mohammad. *Journal of Culture and Cooperatives*. No 2. (in Persian)
- 5- Eiras, A (2003). **Ethics, Corruption and Economic Freedom**, Published by the Heritage Foundation, December9,2003.
- 6- Fraser Institute Index of Economic Freedom (2005). Translated by Sheikhan, Hossein. *Trade Studies Monthly Journal*. No 11. (in Persian)
- 7- Gwartney, J. and R. Lawson, (2000). **Economic Freedom of the World: 2000 Annual Report**. Vancouver: The Fraser Institute, 2002
- 8- Gwartney, J. and R. Lawson, (2004). **Economic Freedom of the World: 2004 Annual Report**. Vancouver: The Fraser Institute, 2004
- 9- Gwartney, J. and R. Lawson,(2005). **Economic Freedom of the World: 2005 Annual Report**. Vancouver: The Fraser Institute, 2005
- 10- Harshbarger, William, (2002). **Economic Freedom**, The Ludwig von Mises Institute,
- 11- Heckelman, J(2000). **Economic Freedom and Economic Growth: a Short-Run Causal Investigation**. Wake Forest University. *Journal of Applied Economics*, Vol. III, No. 1 (May 2000), 71-91
- 12- Johnson, Bryan T. & Holmes, Kim R. (1999). 1999 **Index of Economic Freedom**. Translated by Amin, Mohammad Ebrahim. *Barnameh va Budjeh Quarterly Magazine*. No 48. (in Persian)
- 13- Jones, Hywel (1991). **Introduction to Modern Theories of Economic Growth**. Translated by Lotfi, Saleh. University Publishing Center. Tehran (in Persian)
- 14- Mahdavi Adeli, Mohammad Hossein Hosseinzade Bahreini, Mohammad Hossein & Javadi, Afsaneh (2008). **The Effect of Good Governance on Absorbing FDI in Middle Income Countries**. *Journal of Knowledge and Development*. No 24. (in Persian)
- 15- Nasiri Aghdam, Ali (2005). **The New Institutional Economic**. *Takapou Quarterly Journal*. No 11. (in Persian)
- 16- North, C. Douglass (1998). **Institutions, Institutional Change and Economic Performance**. Translated by Moeeni, Mohammadreza. Budget and Planning Organization Publications. (in Persian)
- 17- Renani, Mohsen (1997). **Market or Nonmarket: Study of Institutional Barriers to Economic Efficiency of the Market Economy System in Iran's Economy**. Budget and Planning Organization. Documentation Center of Economic - social and Publications. Tehran. (in Persian)
- 18- Samimi, Jafar & Azarmand, (2005). **The Effects of Institutional Variables on**

- Economic Growth in the World Countries.** Ferdowsi University of Mashhad. *Journal of Knowledge and Development*. No 16. (in Persian)
- 19-Shahnazi, Rouhollah (2006). **Effect of Economic Freedom on the Per Capita Income.** Masters Thesis. Isfahan University. (in Persian)
- 20-Skipton, CH. (2003). **The Measurement of Trade, Openness,** Dissertation. Florida State University.
- 21-Tadbir Institute of Economic Research (2003). **Evaluation of Iran's Economy with Approach of economic freedom index.** Tehran. (in Persian)
- 22-Weinhold, D. (1999). **A Dynamic Fixed Effects Model for Heterogeneous Panel Data.** London: London School of Economics.

Received: 8 Jul 2009

Accepted: 7 Nov 2009